

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱
صفحات: ۱۰۹-۱۳۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۸/۷

توسعه و توسعه انسانی در قطر

دکتر رضا شیرزادی *

چکیده

توسعه انسانی یکی از نظریه‌های متأخر توسعه به‌شمار می‌رود که از دهه ۱۹۹۰ به بعد مقبولیت عام یافته است. از دید توسعه انسانی، برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق، هدف نهایی توسعه است. توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابد زیرا پیشبرد راهبرد توسعه انسانی به یک دولت فعال نیاز دارد. امروزه یکی از شاخص‌های سنجش سطح توسعه کشورهای مختلف، گزارش‌های ملی و بین‌المللی توسعه انسانی است. قطر از زمان تاسیس در سال ۱۹۷۱ به کمک درآمدهای قابل ملاحظه‌ای حاصل از صادرات نفت و گاز و سپس با تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی، از منطقه‌ای محروم و بیابانی به کشوری ثروتمند و در رتبه‌ی کشورهای با توسعه‌ی انسانی خیلی بالا تبدیل شده‌است. در این مقاله، ابتدا به مفاهیم توسعه و توسعه‌ی انسانی از جمله سیر تحول مفهوم توسعه، چگونگی طرح نظریه‌ی توسعه‌ی انسانی و نحوه‌ی رتبه‌بندی کشورها به وسیله‌ی شاخص توسعه انسانی اشاره شده و پس از آن؛ ویژگی‌های عمومی، تحولات سیاسی، روندهای جاری اقتصادی، و شاخص و وضعیت توسعه‌ی انسانی کشور قطر بررسی می‌شود.

کلید واژه‌ها

رشد اقتصادی، توسعه، توسعه انسانی، قطر.

shirzadi2020@yahoo.com

* عضو هیات‌علمی و استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

توسعه و توسعه انسانی یکی از گفتمان‌های غالب دنیای امروز است. توسعه فراتر از نوسازی و رشد اقتصادی است و علاوه بر بهبود سطح مادی زندگی، بهره رساندن به انسان به معنای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم را هم در بر می‌گیرد. افزایش درآمد و اشتغال ضروری است اما این دو، وسیله‌ی توسعه‌اند و نه هدف آن. هدف توسعه انسانی، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکان‌های اوست. بنابراین از دید توسعه انسانی، رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی و مشارکت در تصمیم‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند، همه از نمودهای توسعه انسانی محسوب می‌شوند.

اهداف توسعه‌ی انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابند و نهادی به نام دولت نقش رهبری را به عهده می‌گیرد و فرایند توسعه را هدایت می‌نماید و هر جا که لازم باشد، مداخله می‌کند تا اطمینان یابد که نتایج مورد انتظار، به‌دست آمده‌اند. دولت‌های توسعه‌گرا قادرند چشم‌اندازهای کارآفرینی درازمدت را در میان نخبگان بخش خصوصی تقویت کنند، به برطرف‌سازی دشواری‌های اقدام جمعی کمک کنند و در زمینه‌ی آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها به سرمایه‌گذاری بنیادی بپردازند. بنابراین پیشبرد استراتژی توسعه انسانی به دولت فعال نیاز دارد.

قطر از زمان تاسیس در سال ۱۹۷۱ به کمک درآمدهای قابل ملاحظه حاصل از صادرات نفت و گاز و سپس با تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی، از منطقه‌ای محروم و بیابانی به کشوری ثروتمند و دارای سطح زندگی بالا تبدیل شده‌است. سؤالی که می‌توان پرسید این است که رشد و توسعه اقتصادی در این کشور چه تأثیری بر شاخص‌های توسعه انسانی این کشور داشته‌است؟ به نظر می‌رسد این کشور به کمک رشد و توسعه‌ی اقتصادی و هدایت دولت، در زمینه‌ی توسعه انسانی نیز پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای به‌دست آورده است.

گفتار اول: توسعه و توسعه‌ی انسانی

الف) تحول مفهوم توسعه

مطالعات توسعه از دهه ۱۹۴۰، نخست در حوزه‌ی علوم اقتصادی و با تأسیس مکتب ساختاری توسعه‌ی اقتصادی در آمریکای لاتین مطرح شد که رائل پربیش و سلسو فورتادو

(اقتصاددانان آرژانتینی و برزیلی) نقش عمده‌ای در این زمینه ایفاء کردند (Shard, Miller & Haller, 1998: 82-83) اما به مرور، این رشته از مطالعات در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفت و مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در دوره‌ی بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند. بنابراین، اولین گروهی که به مطالعه‌ی منظم مفهوم و فرایند توسعه پرداختند، از میان اقتصاددانان برآمدند و در نهایت علم اقتصاد توسعه را ایجاد کردند. به این ترتیب نادیده گرفتن جنبه‌های غیراقتصادی توسعه را در نظریات اولیه نباید چندان غیر منتظره تلقی کرد. اکنون همگان به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی؛ عدالت اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و بزرگداشت ارزش‌ها و سنت‌های بومی را هم در بر می‌گیرد (قاضیان، ۱۳۷۱: ۱۰۱). بر این اساس، تعاریف متأخر توسعه واجد وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی بشر می‌باشند و توسعه را در جامعیت آن مورد بررسی قرار می‌دهند (توسلی، ۱۳۷۱: ۴۵۳-۴۳۵).

در این راستا، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۲ تلفیق هر دو جنبه‌ی اقتصادی و غیراقتصادی (امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) توسعه را پیشنهاد کرد. در همان سال، در اولین دهه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل متحد (۱۹۷۰-۱۹۶۰) چنین اذعان شد: «مساله‌ی کشورهای کم توسعه یافته، توسعه است و نه فقط رشد. توسعه عبارتست از رشد به علاوه‌ی دگرگونی، و دگرگونی هم نه فقط جنبه اقتصادی و کمی، بلکه جنبه‌ی اجتماعی، فرهنگی و کیفی هم دارد. مساله اصلی را باید بهبود کیفیت زندگی مردم دانست» (زاکس، ۱۳۷۷: ۲۴).

بنابراین بر خلاف اولین دهه توسعه که در آن، جوانب اجتماعی و اقتصادی توسعه از هم جدا مانده بودند، دومین دهه‌ی توسعه معطوف به تلفیق دو جنبه توسعه شد و موارد زیر در دستور کار قرار گرفت:

- ۱- عدم حذف هیچ‌یک از بخش‌های جمعیت از قلمرو دگرگونی و توسعه؛
- ۲- ایجاد نوعی دگرگونی ساختاری که به توسعه‌ی ملی ارتقاء بخشیده و تمامی بخش‌های جمعیت را به مشارکت در فرایند توسعه ترغیب نماید؛
- ۳- تعقیب عدالت اجتماعی و تلاش برای توزیع عادلانه‌ی درآمد و ثروت بین همه‌ی مردم؛
- ۴- قائل شدن اولویت بالا برای توسعه‌ی توانایی‌های انسانی، تأمین فرصت‌های شغلی و برآوردن نیازهای کودکان (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۲۹).

بر این اساس، دومین دهه توسعه مسائل جدیدی را مورد توجه قرار داد که عبارت بودند از: مشارکت، محیط زیست، جمعیت، گرسنگی، زنان و اشتغال. در سال ۱۹۷۶ تأمین نیازهای اساسی جمعیت هر یک از کشورها، اولین و مهمترین بخش برنامه‌ی عمل کنفرانس سه‌گانه‌ی جهانی درباره‌ی اشتغال، توزیع درآمد و پیشرفت اجتماعی و تقسیم کار بین‌المللی را تشکیل می‌داد (هینز، ۱۳۹۰: ۶۲). با این حال، دهه‌ی ۱۹۸۰ را دهه‌ی از دست رفته برای توسعه نامیده‌اند زیرا برخلاف دستاوردهای چشمگیر چهار کشور موسوم به بیرهای آسیا (تایوان، سنگاپور، هنگ‌کنگ، کره جنوبی)، طی این دهه بدبینی حاکم شد و فرایند تعدیل اقتصادی برای بسیاری از کشورها به معنای کنار گذاشتن یا ویران نمودن اکثر دستاوردهای گذشته به نام توسعه بود (زاکس، ۱۳۷۷: ۳۰-۲۵). اما در دهه ۱۹۹۰ روح توسعه‌گرایی تازه‌ای به وجود آمد و نظریه‌ی توسعه‌ی انسانی مورد توجه قرار گرفت و گزارش‌های ملی در خصوص آن تهیه و تدوین گردید.

ب) توسعه انسانی

سه نظریه پرداز اقتصاد توسعه (کیت گریفین، تری مک‌کنلی و محبوب‌الحق) برای اولین بار نظریه‌ی توسعه انسانی^۱ را مطرح کردند. از دیدگاه توسعه انسانی، هدف اصلی توسعه، بهره‌رساندن به انسان به معنای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم است. افزایش درآمد و توسعه‌ی اشتغال، ضروری است اما این دو، وسیله‌ی توسعه‌اند و نه هدف آن. هدف توسعه، پرورش قابلیت‌های انسان و گسترش امکان‌های اوست. درآمد تنها یکی از این امکان‌ها و البته یک امکان ضروری است. برخورداری انسان از زندگی طولانی، سالم و خلاق در محیط زیستی غنی و در جامعه‌ی مدنی دموکراتیک، هدف نهایی توسعه است. بنابراین هیچ بستگی قطعی میان رشد اقتصادی و پیشرفت انسانی وجود ندارد و رشد اقتصادی و زندگی انسانی، همراه با یکدیگر، مفهوم توسعه‌ی انسانی را تشکیل می‌دهند (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

مفهوم توسعه انسانی، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد. توسعه انسانی مستلزم برنامه‌ها و فعالیت‌های چندبخشی و سیاست کلان اقتصادی است و هدف نهایی این است که رشد اقتصادی به بهبود رفاه مردم بینجامد. بنابراین هدف توسعه انسانی، دست یافتن انسان به

توسعه و توسعه‌ی انسانی در قطر

چنان توانایی در خوری است که رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی برای خرید غذا، لباس و مسکن و مشارکت در تصمیم‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند، حاصل شود (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۱).

چند عنصر اساسی در الگوی توسعه‌ی انسانی مورد نظر قرار می‌گیرد که عبارتند از:

۱- **بهره‌وری:** مردم باید بتوانند سطح کارایی خود را ارتقاء بخشند و در فرایند درآمدزایی و اشتغال، مشارکت فعال داشته باشند. بر این مبنای رشد اقتصادی یکی از زیرمجموعه‌های الگوی توسعه‌ی انسانی است.

۲- **برابری:** مردم باید از بخت مساوی برای دسترسی به فرصت‌ها برخوردار باشند. موانع موجود بر سر راه فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باید به گونه‌ای برطرف شود که ضمن فراهم کردن مشارکت اجتماعی، از منافع آنها نیز بهره‌مند گردند. به عبارت دیگر، همه به طور مساوی هم امکان کسب قابلیت‌ها، و هم فرصت به کارگیری و ارائه‌ی آنها را داشته باشند.

۳- **پایایی:** باید دسترسی به فرصت‌ها نه تنها برای نسل‌های حاضر که برای نسل‌های بعدی هم تضمین شود. بدین منظور، هر نوع سرمایه‌ی فیزیکی، انسانی و زیست‌محیطی ذخیره‌سازی و جبران می‌شود.

۴- **توانمندسازی:** توسعه باید توسط مردم صورت گیرد نه برای مردم. از این رو مردم باید در جریان تصمیمات و فرایندهایی که زندگی آنها را شکل می‌دهد، مشارکت داشته باشند. بنابراین باید فرصت ایجاد این توانمندی برای مردم فراهم شود (منصوری، ۱۳۷۹: ۱۶۵-۱۶۴).

اهداف توسعه انسانی بدون نقش مؤثر دولت تحقق نمی‌یابند و نهادی به نام دولت نقش رهبری را به عهده می‌گیرد و فرایند توسعه را هدایت می‌کند و در صورت لزوم، مداخله می‌نماید تا اطمینان یابد که نتایج مورد انتظار توسعه انسانی به دست آمده‌اند. اما این نقش به آن معنا نیست که دولت ابعاد بزرگ یا تشکیلات گسترده‌ای داشته، و عهده‌دار سهم بی‌اندازه زیادی از کل هزینه‌ها باشد. همچنین نباید نتیجه گرفت که دولت باید نسبتاً کوچک باشد و فقط بخش بسیار کوچکی از خدمات را تأمین کند و بقیه را به بخش خصوصی واگذارد. از این رو، اندازه‌ی دولت در درجه دوم اهمیت قرار دارد و آنچه در توسعه انسانی حائز اهمیت می‌باشد،

آن است که دولت چه وظیفه‌هایی را انجام می‌دهد و این وظیفه‌ها را تا چه اندازه خوب انجام می‌دهد.

موضوع دوم که از لحاظ نقش دولت اهمیتی کمتر از اولی دارد، میزان عدم تمرکز در نظام اداری دولت است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای دولت‌های به شدت متمرکز هستند که از دوره‌ی استعمار به ارث برده‌اند. موضوع عدم تمرکز وقتی لزوم بیشتری پیدا می‌کند که استراتژی توسعه انسانی در پیش گرفته شود زیرا این گونه استراتژی‌ها بر برنامه‌های کاربر بیش از برنامه‌های سرمایه‌بر تأکید می‌ورزند و مخارج پراکنده و خرد را به مخارج کلان و از نظر جغرافیایی متمرکز، ترجیح می‌دهند و برنامه‌های خوشه‌ای منطقه‌ای که مکمل یکدیگر باشند را برتر از برنامه‌های همگن و ملی می‌دانند. اداره‌های مرکزی که در شهرهای پایتخت قرار دارند، در موقعیت مناسبی نیستند تا به خوبی بتوانند برنامه‌هایی را با این ویژگی‌ها، طرح‌ریزی یا اجرا کنند. به بیان دیگر، استراتژی‌های توسعه‌ی انسانی به استفاده و بهره‌برداری عمیق از دانش و تجربه‌ی محلی گرایش دارند و دولت‌هایی که چنین استراتژی‌هایی را می‌پذیرند، وقتی موفق‌تر خواهند بود که اداره‌های دولتی، رابطه‌ی محکمی با عامه‌ی مردم داشته باشند. این موضوع ایجاب می‌کند که مردم پیرامون نهادهای ملی سازماندهی شوند تا بتوانند در تنظیم و اجرای برنامه‌های توسعه، فعالانه مشارکت کنند. از این رو توسعه انسانی بر پایه‌ی یک جامعه‌ی مدنی نیرومند نیز متکی است و شمار زیادی سازمان‌های غیردولتی، امکان اظهار نظر و اقدام عمومی را فراهم می‌کنند (گریفین و مک‌کنلی، ۱۳۷۵: ۲۵-۲۲).

معمولاً توسعه انسانی توسط دولت‌های توسعه‌گرا دنبال می‌شود. این دولت‌ها در دهه‌ی اخیر موضوع نظریه‌پردازی قرار گرفته‌اند. یکی از کسانی که به بررسی ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا پرداخته، پیترو ایوانز است. او در کتابی با عنوان «استقلال ریشه دار: دولت‌ها و تحول صنعتی» (Evans, 1995)، به بررسی نقش دولت در توسعه می‌پردازد. استدلال اصلی ایوانز آن است که دولت‌ها می‌توانند توسعه‌گرا باشند. به نظر او برخی دولت‌ها قادرند چشم‌اندازهای کارآفرینی درازمدت را در میان نخبگان بخش خصوصی تقویت کنند، به برطرف سازی دشواری‌های اقدام جمعی کمک نمایند و در زمینه‌ی آموزش و پرورش و زیرساخت‌ها به سرمایه‌گذاری بنیادی بپردازند. نخبگانی که زمام این گونه دولت‌ها را در دست دارند، در برابر گرایش به منافع شخصی خود مصون نیستند اما کشوری که حاکمیتش را در دست دارند به

توسعه و توسعه ی انسانی در قطر

خاطر برخورداری از کالاهای همگانی فراهم شده توسط همین نخبگان، از آهنگ سریع تری در زمینه ی توسعه برخورداری است.

به نظر ایوانز، وجود دیوان سالاری اقتصادی توانمند و منسجم، یکی از ویژگی های ساختاری و کلیدی دولت توسعه گراست. دیوان سالاری توانمند نیز مبتنی بر شایسته سالاری و اداری است که در درازمدت همانند بخش خصوصی کارآمداند. این شاخص ها نه تنها در شرق آسیا بلکه در گستره ی وسیعی از کشورهای رو به توسعه، رشد اقتصادی سریع تری را در پی داشته است (Evans, 1999: 748-765).

به عقیده ی ایوانز، از جمله وظایف کلاسیک دولت، جنگ و تضمین نظام بود اما در جهان معاصر، تقویت تحول اقتصادی و تضمین حداقل رفاه نیز به وظایف دولت افزوده شده است و از آنجا که بقای سیاسی و آرامش داخلی اغلب بر حسب اصلاحات اقتصادی بیان می شوند، دولت ها مسئولیت تحول اقتصادی را نیز بر عهده گرفته اند. دخالت دولت در اقتصاد دو وجه دارد: یکی انباشت سرمایه و رشد اقتصادی، دیگری رفاه اجتماعی (اوانز، ۱۳۸۰: ۴۰-۳۶).

به طور خلاصه استراتژی توسعه انسانی به دولت فعال نیاز دارد که این دولت اولاً با مداخله ی خود، سمت و سوی تولیدات و فرایندهای تولیدی را که متمرکز بر استفاده از سرمایه طبیعی هستند، تغییر دهد. اگر بازار را به حال خود رها کنیم، هیچ توجهی به بسیاری از فعالیت های پرهزینه ای که به محیط زیست آسیب می رسانند، نخواهد داشت. ثانیاً دولت در شکل گیری سرمایه ی انسانی مداخله کند. ثالثاً دولت عهده دار سرمایه گذاری های عام المنفعه شود از جمله تأمین هزینه برای تحقیق و توسعه، آموزش و کارآموزی، بهداشت و تغذیه، سرمایه گذاری در امور زیربنایی همچون حمل و نقل، انرژی و ساختارهای شهری. در دراز مدت، استراتژی توسعه انسانی همراه با کاهش تدریجی و قطعی نقش دولت است و برخی کارکردهای دولت به تدریج به نهادهای جامعه ی مدنی واگذار می شود (شیرزادی، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

توسعه قابلیت های انسانی را نباید به عنوان هدفی با یک نقطه پایانی و نهایی در نظر گرفت بلکه باید به مثابه فرایندی مداوم و بی انتها دانست. آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، و تغذیه نقش مهمی در کمک به مردم برای توسعه ی قابلیت هایشان ایفاء می کنند. پیشرفت قابلیت های انسانی در عین حال که فی نفسه یک هدف است، موجب بالاتر رفتن تولید و درآمد می شود (گریفین و نایت، ۱۳۷۶: ۱۳۴ و ۱۵۵).

ج) شاخص توسعه انسانی

برای سنجش میزان توسعه انسانی هر کشور، از شاخص توسعه انسانی^۱ استفاده می‌شود. شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی است که سه بُعد اساسی زندگی، یعنی دسترسی به امکانات لازم برای کسب دانش، برخورداری از عمر طولانی و زندگی سالم، و رسیدن به سطح استاندارد زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص، همه ساله از سوی برنامه‌ی توسعه سازمان ملل متحد^۲ منتشر شده، به مرور زمان مورد جرح و تعدیل قرار گرفته‌است و اینک به عنوان یک شاخص مقبول بین‌المللی برای سنجش سطح توسعه جوامع مورد استفاده است. شاخص توسعه‌ی انسانی با نشان دادن دامنه‌ی قدرت انتخاب و گسترش قابلیت‌های انسان، معیار مناسبی در تعیین سطح زندگی انسانی است و جایگاه کشورها را در دستیابی به توسعه انسانی نشان می‌دهد.

بنابراین به طور خلاصه شاخص توسعه انسانی سه بُعد از زندگی را در بر می‌گیرد: زندگی طولانی و سالم، دانش و سطح استاندارد زندگی. طول عمر دربرگیرنده‌ی امید به زندگی در بدو تولد و نرخ زنده ماندن نوزادان است. دانش، باسوادی بزرگسالان، نرخ ناخالص ثبت نام، نرخ ثبت نام دختران و تعداد دانشمندان و متخصصان تحقیق و توسعه را شامل می‌شود، و سطح زندگی نیز درآمد سرانه، نیروی کار به‌عنوان درصدی از جمعیت و تعداد جمعیتی که به آب سالم دسترسی دارند را شامل می‌شود.

جدول (۱) رتبه‌بندی کشورهای جهان را از نظر توسعه‌ی انسانی نشان می‌دهد. کشور نروژ، با داشتن بالاترین شاخص توسعه انسانی، رتبه اول را دارد. رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و قطر نیز به ترتیب با رتبه‌های ۱۷، ۳۰ و ۳۷ در گروه اول یعنی کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی بالا قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران، با رتبه ۸۸ در گروه دوم یعنی کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار دارد. کشورهایی مانند عربستان سعودی (۵۶)، مالزی (۶۱)، کویت (۶۳) و ارمنستان (۸۶) نیز در این گروه و بالاتر از ایران قرار دارند، اما کشورهای عمان (۸۹) و ترکیه (۹۲) در این گروه بعد از ایران قرار گرفته‌اند. گروه سوم کشورهای دارای توسعه‌ی انسانی متوسط نظیر ترکمنستان (۱۰۲)، مصر (۱۱۳)، سوریه (۱۱۹)، تاجیکستان (۱۲۷) و عراق (۱۳۲) را در بر می‌گیرد. چهارمین گروه نیز شامل کشورهای با توسعه انسانی کم مانند پاکستان (۱۴۵)، یمن (۱۵۴) و افغانستان (۱۷۲) می‌باشند.

1- Human Development Index:HDI

2- UNDP

توسعه و توسعه ی انسانی در قطر

جدول ۱. تعداد کشورها بر حسب سطوح شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۱

دامنه شاخص HDI	تعداد کشور	سطوح توسعه انسانی
(۰/۹۴۳-۰/۷۹۳)	۴۷	کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی بالا
(۰/۷۸۳-۰/۶۹۸)	۴۷	کشورهای دارای توسعه انسانی بالا
(۰/۶۹۸-۰/۵۲۲)	۴۷	کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط
(۰/۵۱۰-۰/۲۸۶)	۴۶	کشورهای دارای توسعه انسانی کم
(۰/۹۴۳-۰/۲۸۶)	۱۸۷	جمع

Source: UNDP (2011), Human Development Report 2011: Sustainability and Equity, (NY: Palgrave) pp127-130.

هر چند انتظار می‌رود کشورهایی که درآمد سرانه بالاتر دارند، از شاخص توسعه انسانی بالاتری برخوردار باشند اما مقایسه بین کشوری در جدول (۲) نشان‌دهنده آن است که بسیاری از کشورها با درآمد سرانه بالاتر در سطوح پایین‌تری از شاخص توسعه انسانی قرار دارند. برای نمونه لبنان نسبت به ایران تولید ناخالص داخلی بسیار کمتر و شاخص توسعه انسانی بالاتری دارد.

جدول ۲. درآمد سرانه و شاخص توسعه انسانی کشورهای منتخب

نام کشور	رتبه	تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۰۷ (میلیارد دلار)	درآمد ناخالص ملی سرانه (GNI) بر حسب برابری قدرت خرید در سال ۲۰۱۱ (دلار آمریکا)	شاخص HDI
نروژ	۱	۲۵۱/۶	۴۷۵۵۷	۰/۹۴۳
رژیم اشغالگر قدس	۱۷	۱۸۸/۹	۲۵۸۴۹	۰/۸۸۸
عربستان سعودی	۵۶	۵۵۴/۱	۲۳۲۷۴	۰/۷۷۰
مالزی	۶۱	۳۵۸/۹	۱۳۶۸۵	۰/۷۶۱
کویت	۶۳	۱۲۱/۱	۴۷۹۲۶	۰/۷۶۰
لبنان	۷۱	۴۱/۴	۱۳۰۷۶	۰/۷۳۹
جمهوری اسلامی ایران	۸۸	۷۷۸	۱۰۱۶۴	۰/۷۰۷
ترکیه	۹۲	۹۵۷/۲	۱۲۲۴۶	۰/۶۹۹
مصر	۱۱۳	۴۰۳/۷	۵۲۶۹	۰/۶۴۴
سوریه	۱۱۹	۸۹/۷	۴۲۴۳	۰/۶۳۲
عراق	۱۳۲	-	۳۱۷۷	۰/۵۷۳
پاکستان	۱۴۵	۴۰۵/۶	۲۵۵۰	۰/۵۰۴
افغانستان	۱۷۲	۲۶/۱	۱۴۱۶	۰/۳۹۸

Source: UNDP (2011), Ibid., & UNDP(2009), Human Development Report 2009, (NY: Palgrave) pp. 195-198.

گفتار دوم: معرفی کشور قطر

الف) ویژگی‌های عمومی

قطر شبه جزیره‌ای است که در نیمه راه ساحل خلیج فارس قرار دارد و دارای جزایر متعددی است. شبه جزیره‌ی کوچک قطر از جنوب به شبه جزیره عربستان منتهی شده و تنها مرز خشکی این کشور نیز مرز آن با عربستان سعودی است. آب‌های خلیج فارس بخش اعظم شبه جزیره‌ی قطر را احاطه نموده و مرزهای شمالی، غربی و شرقی آن را شکل می‌دهند، از این رو سایر کشورهای همسایه‌ی قطر از ورای آب‌های خلیج فارس با این سرزمین ارتباط می‌یابند. این همسایگان عبارتند از بحرین در شمال غربی، ایران در شمال و امارات متحده عربی در جنوب شرقی. مساحت کلی این کشور شامل جزایر آن، حدود ۱۱۵۲۱ کیلومتر مربع و دارای جمعیتی به میزان ۱/۷۵۸ میلیون نفر است (جدول ۳).

جدول ۳. جمعیت کشور قطر در سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۹

سال	کشور
۱۹۷۰	قطر
۱۹۸۰	قطر
۱۹۹۰	قطر
۲۰۰۰	قطر
۲۰۰۵	قطر
۲۰۰۹	قطر

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>.

تنها ۲۵ درصد این جمعیت، قطری و سایرین بیشتر از کشورهای ایران، مصر، فلسطین، سوریه، اردن و لبنان هستند. در حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور را اعراب (قطری و سایر نژادها) و ۶۰ درصد دیگر را نیز مردمانی از نژادهای هندی، فیلیپینی، نیپالی، پاکستانی، سریلانکایی، و سایر نژادها تشکیل می‌دهند. شهر دوحه واقع در شرق کشور قطر، پایتخت و یکی از پنج بندر این کشور می‌باشد. دوحه بزرگترین شهر قطر بوده و بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور در این شهر و حومه آن اقامت دارند. این شهر مرکز اقتصادی و مقر حکومتی کشور به شمار می‌رود (کیانوش، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۶).

آب و هوای قطر گرم و مرطوب و ریزش باران، اندک و منحصر به فصل زمستان است. قطر دارای زمینی مسطح و پوشیده از ریگزار است. با این حال، چندین تپه‌ی شنی در آن وجود دارد که ارتفاع آنها در برخی مناطق شمالی و غربی کشور به ۴۰۰ متر بالاتر از سطح دریا می‌رسد. سلسله کوه‌های جاساسیه مهمترین و شاید تنها ارتفاعاتی در قطر باشند که نام کوه بر آنها

توسعه و توسعه ی انسانی در قطر

اطلاق شده است. در آب های شرقی و غربی قطر نیز جزایری قرار گرفته اند. آب و هوای مناطق مختلف قطر از حداکثر ۴۶ درجه سانتیگراد در تابستان تا حداقل ۱۰ درجه سانتیگراد در زمستان متغیر است.

ب) تحولات سیاسی

قطر تا سال ۱۹۷۰ تحت قیمومیت انگلستان قرار داشت تا این که در سال ۱۹۷۱ ضمن جدایی از بحرین، اعلام استقلال کرد و عضویت در امارات متحده عربی را نیز نپذیرفت. نوع حکومت این کشور، امیرنشین موروثی است. امیر در این کشور مقام اول سیاسی و حکومتی به شمار رفته و تصمیم گیرنده ی اصلی در همه ی امور مهم و کلان کشور است. قطر در میان کشورهای منطقه ی خاورمیانه از ثبات نسبی سیاسی برخوردار است (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۸). از زمان استقلال این کشور، شیخ خلیفه پدر شیخ حمد حاکم کنونی قطر، حکومت را در دست گرفت و حدود ۲۳ سال بر قدرت باقی ماند. دوره ی حکومت شیخ خلیفه با حیف و میل اموال، عقب ماندگی، تسلط انگلیسی ها بر امور کشور و رکود اقتصادی همراه بود و قطر از عقب مانده ترین کشورهای خلیج فارس محسوب می شد. در سال ۱۹۹۵، شیخ حمد پسر شیخ خلیفه در هنگام سفر وی به فرانسه، با کودتایی بدون خونریزی زمام امور را در دست گرفت. از زمان حاکمیت شیخ حمد، قطر در عرصه ی داخلی و منطقه ای تحولات و پیشرفت های مهمی کسب کرده است. قطر در عرصه ی منطقه ای، در چند سال اخیر در پی ایفای نقشی جدی و متمایز نسبت به سایر کشورهای خلیج فارس برآمده، و به عنوان میانجی در مناقشه های منطقه ای ایفای نقش می کند. در عرصه ی داخلی نیز این کشور دست به اصلاحات سیاسی و اقتصادی زده است. در عرصه ی رسانه ای، شروع فعالیت شبکه ی الجزیره، انقلابی در عرصه ی رسانه ای جهان عرب، در جهت فضای آزاد سیاسی، ایجاد کرد. همچنین این کشور با صدور گاز مایع^۱، جهش اقتصادی قابل توجهی را به وجود آورده است.

قطر در سال های پس از استقلال، از طرف ایران احساس تهدید نکرده، اما عربستان سعودی همواره تمامیت ارضی و حاکمیت این کشور را تهدید کرده است. به نظر می رسد بخش عمده ای از مسائل و رفتارهای کشور کوچک قطر، تحت تهدیدات امنیتی عربستان سعودی نسبت به این

1 - LNG

کشور شکل می‌گیرد. از یک منظر، رفتارهای قطر را می‌توان به عنوان یک دولت خرد یا میکرو^۱ ارزیابی کرد. در نظریه‌های روابط بین‌الملل، دولت‌های خرد یا ذره‌بینی حتی اگر مشکل ثبات نداشته باشند، مشکل تداوم دارند. قطر و بقیه‌ی کشورهای ذره‌بینی حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس که در سال ۱۹۷۱ از انگلستان استقلال گرفتند، برای تداوم حیات خود نیازمند علل و اسباب تداوم‌بخش حاکمیت خود هستند. بر این اساس، عمده‌ترین چالش پیش‌روی دولت‌های خرد، بقاء است و هدف اصلی رفتارهای این دولت‌ها، تضمین امنیت و بقاء خود و پاسخی به چالش‌های درونی و بیرونی است. در همین راستا، روابط دوجانبه‌ی قطر و آمریکا بسیار قوی و رو به گسترش بوده و این دو کشور در زمینه‌ی افزایش امنیت در خلیج فارس و سایر امور دیپلماتیک منطقه، با یکدیگر همکاری می‌نمایند. پیوندهای اقتصادی میان این دو کشور به ویژه در بخش نفت نیز بسیار قوی ارزیابی می‌شود.

کشور کوچک قطر توانسته است جایگاه خود را در معادلات منطقه‌ای بر اساس «میانجیگری» بازتعریف نماید و بر اساس این مساله، جایگاهی مناسب کسب نماید. البته قطر از آن جا که تنها رقیب عربی منطقه‌ای خود را عربستان می‌داند، سعی دارد با بهره‌گیری از نقش جدید خود، در مقابل عربستان، به توسعه نفوذ منطقه‌ای خود بپردازد.

ج) روندهای جاری اقتصادی

قطر به طور سنتی، اقتصادی مبتنی بر صدور مَروراید داشته، اما با پیدایش نفت و گاز، اقتصاد این کشور بر مبنای صدور گاز به ویژه در قالب LNG تثبیت شد. قطر از سال ۱۹۷۳، وارد عرصه‌ی تولید نفت و سپس گاز شد. نفت به ویژه در دهه‌ی ۱۹۹۰ پایه‌های اقتصادی این کشور را تشکیل می‌داد و هنوز هم بیش از ۶۰ درصد درآمد دولت را شامل می‌شود. تولید نفت و میزان درآمد حاصل از آن در سال ۱۹۷۳ به میزان قابل ملاحظه‌ای رشد نمود و قطر را از رده‌ی کشورهای فقیر جهان خارج ساخت. تولید نفت تا سال ۲۰۰۷ به ۸۳۵۰۰۰ بشکه در روز رسید و این میزان در سال ۲۰۰۹ از مرز ۱/۱ میلیون بشکه در روز نیز فراتر رفت. انتظار می‌رود که با سرعت فعلی تولید، ذخایر نفتی کشور بیش از چهل سال دوام یابد.

1 - Micro State

توسعه و توسعه‌ی انسانی در قطر

کشور قطر از نظر میزان ذخایر گاز طبیعی، سومین کشور جهان بوده و میزان ذخایر گاز آن بیش از ۹۰۰ تریلیون فوت مکعب (۱۴ درصد کل ذخایر گاز طبیعی در جهان) برآورد شده است. در حال حاضر قطر بزرگترین تولیدکننده‌ی گاز مایع (با ظرفیت سالانه‌ی بیش از ۳۱ میلیون تن) بوده و در حدود یک سوم گاز طبیعی جهان را تأمین می‌نماید. کشورهای قطر و ایران به طور مشترک مالک میدان گازی پارس جنوبی (گنبد شمالی) می‌باشند. تکمیل مرحله‌ی یک طرح توسعه‌ی این میدان گازی در سال ۱۹۹۱، اقتصاد کشور قطر را به شدت تقویت کرد. مراحل بعدی این طرح، در مقاطع مختلف برنامه‌ریزی و توسعه قرار دارند. کشور قطر تفاهم‌نامه‌های متعددی را جهت انتقال گاز به کشورهای امارات متحده عربی (از طریق خط لوله) و کشورهای اسپانیا، ترکیه، ایتالیا، آمریکا، فرانسه، کره جنوبی، هند، چین، تایوان، و انگلستان (با کشتی) به امضاء رسانده است. صادرات گاز مایع به کشور ژاپن نیز از سال ۱۹۹۶ آغاز شد. در سال‌های اخیر، دولت قطر توسعه‌ی بیشتر طرح‌های تولید و صادرات گاز طبیعی را به منظور ارزیابی طرح‌های توسعه‌ی آتی، متوقف نمود اما اجرای پروژه‌های گازی جدید، قطر را پیشتاز رشد اقتصادی جهان کرد تا جایی که نرخ رشد اقتصادی آن کشور در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ از ۲۵ درصد فراتر رفت.

بنابراین دولت قطر در عرصه اقتصادی، استراتژی «استفاده از ثروت جهت تولید ثروت بیشتر» را به کار گرفته و جهت تحقق این امر، از ثروت عظیم حاصل از نفت در جهت ایجاد تنوع در پایه‌های اقتصادی و کاهش وابستگی به بخش نفت و گاز بهره می‌گیرد. دولت قطر مطابق الگوی دولت توسعه‌گرا، می‌کوشد با اجرای طرح «ملی‌گرایی قطری»، جایگاه این کشور را در جهان ارتقاء دهد، از این رو زمینه را برای بازگشت فارغ‌التحصیلان قطری دانشگاه‌های معتبر جهان، به ویژه دانشگاه‌های ایالات متحده فراهم می‌نماید. این افراد پست‌های مهمی که پیش‌تر توسط متخصصان خارجی اشغال شده بود را تحویل گرفته و از این طریق، دولت به تحقق اهداف طرح «ملی‌گرایی قطری» نزدیک‌تر می‌شود (کیانوش، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۷).

اقدامات اصلاحی جهت خصوصی‌سازی به عنوان کلید ورود به اقتصاد پیشرفته مورد تأکید دولت قطر می‌باشد (یوسفی لیمیایی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). چشم‌انداز ملی قطر در سال ۲۰۳۰ (Qatar National Vision 2030 (QNV 2030)، که از سال ۲۰۰۸ اجرای آن آغاز شده است، بر مبنای چهار محور مرتبط با یکدیگر اجرا می‌شود که عبارتند از: توسعه‌ی انسانی، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه زیست محیطی (Qatar National Vision 2030, 2009).

(III). براساس چشم‌انداز ملی قطر که تدوین آن طی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۵ انجام و اجرای آن از سال ۲۰۰۹ شروع شد، این کشور قصد دارد تا سال ۲۰۳۰، به جامعه‌ای پیشرفته تبدیل شود که قادر به حفظ توسعه‌ی خود و تأمین استانداردهای بالای زندگی برای تمام افراد کشور باشد. این چشم‌انداز، دستاوردهای بلندمدتی را برای این کشور تعریف و چارچوبی ارائه می‌کند که در قالب آن، استراتژی‌های ملی و برنامه‌های اجرایی، قابل بسط و توسعه باشند (صمیمی و جعفری قدوسی، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۵).

بررسی شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد که قطر از منظر وضعیت اقتصادی، شرایط مساعدی دارد. تولید ناخالص داخلی^۱ قطر در سال ۲۰۰۹ معادل ۹۸ میلیارد دلار بود (جدول‌های شماره ۴ و ۵). صنایع عمده‌ی این کشور شامل تولید و تصفیه‌ی نفت خام و گاز LNG، تولید آمونیاک، کود شیمیایی، پتروشیمی، سیمان، تعمیر کشتی‌های تجاری و تولید شمش‌های فولادی است. صادرات قطر ۶۲/۴۴ میلیارد دلار در سال است و کالاهای صادراتی عمده‌ی آن؛ گاز LNG، محصولات پتروشیمی، کود شیمیایی و فولاد است. شرکای صادراتی عمده‌ی قطر نیز کشورهای ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور، هند، تایلند و امارات متحده عربی هستند. واردات سالیانه‌ی قطر ۲۴/۹۶ میلیارد دلار است. کالاهای وارداتی عمده آن کشور شامل تجهیزات حمل و نقل، ماشین‌آلات، غذا، مواد شیمیایی، و شرکای وارداتی اصلی قطر نیز کشورهای آمریکا، ایتالیا، ژاپن، فرانسه، آلمان و انگلستان می‌باشند.

جدول ۴. تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۷۰ (میلیون دلار)

سال کشور	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
قطر	۱۹۳۶۴	۲۳۵۳۴	۳۱۶۷۵	۴۳۰۴۰	۶۰۴۹۷	۸۰۷۵۱	۱۱۰۷۱۲	۹۸۳۱۳

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>.

جدول ۵. رشد سالانه تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۹ (درصد)

سال کشور	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹
قطر	۷/۱۳	۳/۴۹		۲۰/۸۴	۷/۶	۱۸/۶	۲۶/۷۵	۸/۶۴

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>.

1 - GDP

توسعه و توسعه ی انسانی در قطر

به رغم رکود اقتصادی جهانی و تأثیرات منفی آن بر اغلب کشورهای حوزه خلیج فارس و به ویژه بازارهای مالی امارات متحده عربی، عربستان سعودی و کویت، اقتصاد قطر خسارات کمتری را متحمل شده و در دوره رکود، از بقیه کشورها رشد سریع تری داشته است. بر این اساس است که برخی این ایده را مطرح می کنند که صحنه شکوفایی اقتصادی در خلیج فارس، در حال انتقال از دبی به قطر است. نکته مهم در خصوص اقتصاد قطر، سرانه تولید ناخالص داخلی است که آن کشور را با سرانه ای بالاتر از کشورهای اروپایی، به ثروتمندترین کشور جهان مبدل کرده است. درآمد سرانه ی قطر در سال ۲۰۱۱ از ۱۰۷ هزار دلار فراتر رفت و این کشور در رده ی اول جهانی قرار گرفت (UNDP, 2011: 127).

گفتار سوم: شاخص های توسعه انسانی در قطر

همچنان که اشاره شد، شاخص توسعه انسانی، ترکیبی از شاخص های سه گانه تولید سرانه، آموزش و امید به زندگی است. شاخص های توسعه انسانی قطر نشان می دهد این کشور تلاش زیادی در جهت ارتقاء این شاخص ها داشته است.

جدول ۶. رتبه قطر در شاخص توسعه انسانی (۱۹۹۵-۲۰۱۱)

سال	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
کشور	۵۶	۴۲	۴۰	۳۳	۳۸	۳۷
قطر						

Source: UNDP (1995-2011), Human Development Report, NY: Palgrave.

جدول (۶) رتبه قطر را در گزارش های مختلف توسعه انسانی منتشر شده توسط برنامه توسعه ملل متحد^۱ نشان می دهد. بر اساس این جدول، قطر با پیمودن یک سیر صعودی، موفق شده است طی سال های ۱۹۹۵-۲۰۱۱ به رتبه های بهتری در شاخص توسعه انسانی دست یابد. این کشور طی سال های ۱۹۹۵-۲۰۰۰ یعنی در پنجساله نخست به قدرت رسیدن امیر جدید در آن کشور و آغاز اصلاحات، عملکرد خوبی داشته و از رتبه ۵۶ به رتبه ۴۲ صعود کرده است.

1 - UNDP

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱

اما این رشد سریع در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ دچار نوسان شده و با وجود ادامه پیشرفت تا رتبه ۳۳ در سال ۲۰۰۹، سرانجام در سال ۲۰۱۱ رتبه ۳۷ را به خود اختصاص داده است. جدول (۷) نیز نشانگر روند تغییرات شاخص توسعه انسانی کشور قطر می‌باشد. بر اساس اطلاعات موجود در این جدول، با وجود نزول رتبه قطر از نظر رتبه‌ی توسعه‌ی انسانی طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۹، شاخص توسعه‌ی انسانی در این کشور کاهش نیافته، اما طی سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ تثبیت شده، و از سال ۲۰۰۹ به رشد دوباره خود ادامه داده، و این کشور موفق شده است تا شاخص توسعه انسانی خود را از ۰/۸۱۸ تا سال ۲۰۰۹ به ۰/۸۳۱ در سال ۲۰۱۱ بهبود بخشد.

جدول ۷. روند تغییرات شاخص توسعه انسانی (۱۹۸۰-۲۰۱۱)

سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱
کشور	۰/۷۰۳	۷۴۳	۰/۷۸۴	۰/۸۱۸	۰/۸۱۸	۰/۸۲۵	۰/۸۳۱
قطر							

Source: UNDP (2011), Human Development Report 2011: Sustainability and Equity, NY: Palgrave p.131.

جدول (۸) مهمترین شاخص‌هایی را که نقشی تعیین کننده در محاسبه شاخص توسعه انسانی قطر ایفاء می‌کند، نشان می‌دهد. طبق این جدول، قطر در شاخص‌های امید به زندگی در سال ۲۰۱۱، شاخص‌های آموزش و تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۲۰۰۵ و شاخص عملکرد محیط زیستی در سال ۲۰۱۱ عملکرد خوبی را نشان می‌دهد.

جدول ۸. مهمترین شاخص‌های توسعه انسانی قطر

شاخص توسعه انسانی (HDI)	شاخص امید به زندگی	شاخص آموزش	شاخص تولید ناخالص داخلی	شاخص نابرابری جنسیتی	شاخص محیط زیست (۱۰۰-۰)
سال	۲۰۱۱	۲۰۱۱	۲۰۰۵	۲۰۰۸	۲۰۱۱
قطر	۰/۸۳۱	۰/۸۵۴	۰/۸۵۲	۰/۹۳۸	۰/۶۷۱
	۲۰۰۵	۲۰۱۱	۲۰۰۵	۲۰۱۱	۲۰۱۱
	۰/۸۱۸	۰/۸۳۱	۰/۸۵۲	۰/۹۳۸	۰/۶۷۱

Source: UNDP (2011), Human Development Report 2011, NY: Oxford University Press, pp.135, 139, 146. & UNDP (2009), Human Development Report 2009, NY: Oxford University Press, p.171. & UNDP (2007/2008), Human Development Report 2007/2008, NY: Oxford University Press, p.229.

۱- آموزش

آموزش و درآمد در هر دو سطح فردی و اجتماعی، ارتباط زیادی با یکدیگر دارند زیرا افراد تحصیلکرده شانس و فرصت‌های بیشتری برای افزایش درآمد به دست می‌آورند (Al Abed and Hellyer, 1997: 256). همچنان که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، شاخص آموزش قطر معادل ۰/۸۵۲ می‌باشد. نرخ باسوادی بزرگسالان (افراد ۱۵ سال به بالا) طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۸۵ از ۷۵/۶ درصد به ۸۹ درصد افزایش یافته است.

جدول (۹) نسبت ثبت نام در مدارس ابتدایی قطر را نشان می‌دهد. همچنین بر اساس گزارش توسعه‌ی انسانی در کشورهای عرب، نرخ باسوادی جوانان ۲۴-۱۵ ساله در قطر ۹۵/۹ درصد است. همچنین هزینه‌های آموزشی بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۱ برای قطر معادل ۳/۵ درصد بود که این میزان در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰ با توجه به افزایش چشمگیر تولید ناخالص داخلی این کشور، به ۱/۶ درصد کاهش یافته است. بنابراین قطر سهم قابل توجهی از GDP خود را صرف امور آموزشی می‌کند (UNDP, 2009: 238-239).

جدول ۹. نسبت ثبت نام در مدارس ابتدایی (درصد)

سال	کشور
۲۰۰۹	۹۸
۲۰۰۰	۹۶
۱۹۹۰	۹۶
۱۹۸۰	۸۴
	قطر

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>

۲- اشتغال و درآمد

میزان بیکاری در قطر حدود ۲ درصد گزارش شده است و نرخ بیکاری جوانان معادل ۱۷ درصد می‌باشد. درصد جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ۳ درصد، در بخش صنعت ۴۱ درصد، و در بخش خدمات ۵۶ درصد است (UNDP, 2009: 246).

قطر در بین کشورهای عرب همراه با امارات، بحرین، کویت و عربستان سعودی از کشورهای دارای درآمد زیاد محسوب می‌شوند لکن قطر با افزایش صدور گاز و با توجه به جمعیت کمتر، موفق شده است از لحاظ درآمد سرانه در صدر کشورهای جهان قرار گیرد تا جایی که در سال ۲۰۱۱ درآمد سرانه آن کشور (براساس برابری قدرت خرید) به ۱۰۷۷۲۱ دلار رسید (UNDP, 2011: 127).

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱

سهم صادرات کالاهای ساخته شده قطر بر حسب درصدی از GDP برای سال ۲۰۰۵، ۷ درصد، و سهم صادرات کالاهای دارای فناوری پیشرفته به ۱/۲ درصد رسید (UNDP, 2009:243).

۳- مشارکت زنان

شاخص توانمندسازی زنان در قطر برابر با ۰/۳۷۴ و دارای ۸۴ است. اغلب زنان در قطر (۹۷ درصد) در بخش خدمات شاغلند و در سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵ تنها ۳ درصد در بخش صنعت اشتغال داشتند. قطر در سال ۲۰۰۳ حق رای را برای زنان به رسمیت شناخت (UNDP, 2007: 338-341).

۴- فناوری اطلاعات و ارتباطات

تعداد مشترکین تلفن ثابت در سال ۱۹۹۰ از ۱۹۷ در هر یک هزار نفر به ۲۵۳ نفر رسیده است. در زمینه ارتباطات سیار، دارندگان تلفن همراه از هر ۸ نفر در هر یک هزار نفر در سال ۱۹۹۰ به ۸۸۲ نفر در سال ۲۰۰۵ و کاربران اینترنت که در سال ۱۹۹۰ معادل صفر بوده، در سال ۲۰۰۵ به ۲۶۹ نفر از هر یک هزار نفر جمعیت کشور رسیده است (UNDP, 2009: 240).

۵- بهداشت و امید به زندگی

یکی از متغیرهای مهم در تعیین شاخص توسعه‌ی انسانی، امید به زندگی در بدو تولد است. طبق جدول (۸) شاخص امید به زندگی قطر در سال ۲۰۱۱ به ۰/۸۵۴ رسیده است. علاوه بر آن، مطابق جدول (۱۰)، در سال ۲۰۰۹ امید به زندگی در بدو تولد در قطر ۷۷/۹۴ سال می‌باشد.

جدول ۱۰. امید به زندگی در بدو تولد در سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۹

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹
قطر	۶۶/۱۵	۷۱/۲۵	۷۴/۱۳	۷۶/۳	۷۷/۲۵	۷۷/۹۴

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>.

توسعه و توسعه ی انسانی در قطر

جدول (۱۱) نشانگر مقایسه نسبت زنان و مردانی است که در قطر به سن ۶۵ سالگی می‌رسند.

جدول ۱۱. نسبت مردان و زنانی که به سن ۶۵ سالگی می‌رسند (درصد)

سال		۲۰۰۰		۲۰۰۵		۲۰۰۹	
کشور	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد
قطر	۷۵	۸۰	۸۰	۸۲	۸۲	۸۳	۸۲

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>.

قطر در سال ۲۰۰۴ حدود ۲/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آن کشور را صرف بهداشت کرد و با توجه به جمعیت کم خود، حدود ۳۶ درصد و معادل ۶۸۸ دلار سرانه بهداشت به ساکنین قطر اختصاص داد. همچنین تمامی جمعیت این کشور تحت پوشش سیستم فاضلاب بهداشتی بوده و به آب سالم دسترسی دارند. با این وجود، آب یکی از چالش‌های بزرگ این کشور است تا جایی که دچار کمبود جدی آب (وجود بین ۵ تا ۱۰ هزار نفر جمعیت برای هر میلیون متر مکعب آب) می‌باشد (UNDP, 2009:233).

نرخ مرگ و میر نوزادان کمتر از پنج سال نیز یکی از شاخص‌های مهم در این حوزه است. طبق جدول (۱۲) قطر در این زمینه موفق شده‌است آن را تا حداقل ممکن کاهش دهد.

جدول ۱۲. تعداد مرگ و میر نوزادان کمتر از پنج سال در هر ۱۰۰۰ نفر

سال	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۹
کشور						
قطر	۷۹	۴۱	۲۱	۱۳	۱۰	۹

Source: World Bank (2011), World Bank Data Sets, At: <http://data.worldbank.org>.

۶- محیط زیست

تغییرات اقلیمی طی دهه‌های آینده اغلب کشورهای جهان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. انتشار سرانه‌ی گازهای گلخانه‌ای در کشورهای دارای توسعه انسانی خیلی زیاد نظیر قطر نسبت به کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کم، بسیار بیشتر است زیرا در این کشورها فعالیت‌های انرژی بر بیشتری نظیر به کارگیری گسترده خودرو، دستگاه‌های تهویه مطبوع و تولید برق به وسیله سوخت‌های فسیلی انجام می‌شود. در نتیجه، ساکنین کشورهای دارای

توسعه انسانی خیلی زیاد به طور متوسط ۴ برابر بیشتر از سایر کشورها، دی اکسید کربن و گازهای گلخانه‌ای منتشر می‌کنند. بنابراین وابستگی قطر به نفت و گاز باعث شده است تا این کشور با توجه به جمعیت کم، بیشترین سرانه انتشار گازهای گلخانه‌ای را در جهان معادل با ۵۳ تن به خود اختصاص دهد.

در عین حال، مطابق جدول (۸) شاخص عملکرد محیط زیست قطر در سال ۲۰۱۱ با امتیاز ۴۸/۹ از ۱۰۰، نسبت به بعضی دیگر از کشورها از جمله امارات با امتیاز ۴۰/۷، بهتر بوده است. بخش حمل و نقل در کشورهای عرب، بیشترین سهم را در آلودگی هوا ایفاء می‌کند. مالکیت خودروهای شخصی در قطر بسیار بالا است و طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۰ از هر یک هزار نفر در این کشور، ۳۷۰ نفر مالک خودروی شخصی بودند. کشورهای قطر، امارات متحده، عربستان سعودی و کویت در اجلاس نوامبر سال ۲۰۰۷ اوپک صندوقی را با ۷۵۰ میلیون دلار سرمایه تأسیس کردند تا به افزایش به کارگیری منابع سازگار با محیط زیست و توسعه‌ی فناوری‌های پیشرفته در این زمینه کمک کند (UNDP, 2009: 24-27,49).

نتیجه‌گیری

شاخص توسعه انسانی ترکیبی از شاخص‌های سه‌گانه‌ی تولید سرانه، آموزش و امید به زندگی است. بررسی مهمترین شاخص‌های توسعه انسانی در قطر نشان می‌دهد این کشور تلاش زیادی در جهت ارتقاء این شاخص‌ها داشته و توانسته است در گزارش سالانه توسعه انسانی، در رده‌ی کشورهای با توسعه‌ی انسانی خیلی زیاد و در کنار کشورهای مرفه جهان قرار گیرد. این کشور همچنان در جهت تقویت توسعه انسانی حرکت می‌کند و از سال ۲۰۰۹ رشد شاخص توسعه‌ی انسانی در این کشور مشهود است. بنابراین عملکرد آن در زمینه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی، صعودی است. استمرار موفقیت قطر به ویژه با توجه به بهبود عملکرد آن کشور در زمینه‌ی شاخص نابرابری جنسیتی و استمرار اصلاحات سیاسی می‌تواند به تداوم و تقویت این روند بینجامد. در عین حال، عدم توجه کافی به جنبه‌های مختلف توسعه‌ی سیاسی یکی از نقاط ضعف این کشور محسوب می‌شود. تشکیل احزاب سیاسی آزاد در قطر تقریباً ممنوع است و خاندان آل ثانی در قطر بر سیاست و اقتصاد مسلط‌اند. ادامه این وضعیت می‌تواند آینده‌ی توسعه انسانی را در این کشور دچار چالش کند. بروز بحران سیاسی در بحرین از سال ۲۰۱۱ با وجود توجه نسبی آن کشور به توسعه سیاسی و آزادی احزاب، هشدار برای قطر در

توسعه و توسعه‌ی انسانی در قطر

این حوزه محسوب می‌شود چرا که تنش در این زمینه می‌تواند توسعه‌ی انسانی را نیز دچار نوسان کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

اوانز، پیتر (۱۳۸۰). **توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی**، ترجمه عباس زندباف و عباس مخبر. تهران: طرح نو.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). «جامعیت مفهوم توسعه»، **مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه**، جلد دوم، تهران: سمت.

خرازی، فردین (۱۳۸۵). «مروری بر وضعیت حقوق بشر در امارات عربی متحده»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۱، پاییز.

زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷). **نگاهی نو به مفاهیم توسعه**، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی. تهران: نشر مرکز.

شیرینی، کیومرث (۱۳۸۹). **راهنمای تجارت با قطر**. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

شیرزادی، رضا (۱۳۹۱). **نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها**. تهران: آگه.

صمیمی، احمد و جعفری قدوسی، آمنه (۱۳۸۹). **چشم‌انداز ملی ۲۰۳۰ قطر**. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، گروه پژوهشی برنامه و بودجه، گزارش راهبردی شماره ۱۲۴.

قاضیان، حسین (۱۳۷۱). «درباره تعریف توسعه»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال هفتم، شماره سوم و چهارم، آذر و دی.

کیانوش، شیوا (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای حاشیه خلیج فارس»، **ماهنامه مناطق آزاد**، شماره ۲۱۴، آذر.

گریفین، کیت و نایت، جان (۱۳۷۶). «توسعه انسانی: تاکید مجدد»، ترجمه علی دینی و معصومه سادات صالحی امین، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۱۹ و ۲۰، آبان و آذر.

گریفین، کیت و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۵). **تحقق استراتژی توسعه انسانی**، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور. تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱

منصوری، عیسی (۱۳۷۹). «توسعه انسانی زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، سال پانزدهم، شماره سوم و چهارم، آذر و دی.
هینز، جفری (۱۳۹۰). **مطالعات توسعه**، ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی. تهران: آگه.
یوسفی لیمایی، فاطمه (۱۳۸۴). **گزارش کشوری انرژی قطر**. تهران: موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
پژوهشکده تحقیقات راهبردی، «تحولات داخلی و روابط خارجی امارات متحده عربی» در:
www.isrjournals.ir/fa/essay/141-essay-farsi-8.html

(ب) منابع انگلیسی

- Al Abed, Ibrahim & Hellyer, Peter (1997). **United Arab Emirates: A New Perspective**, London: Trident Press.
- Bam Dev Sharda, George A. Miller & Archibald O. Haller (1998). "Concept and Indicators of Development: An Empirical Analysis" **Journal of Developing Societies**, V. 14, April.
- Bryan R. Earyl (2008). "Adversaries and Allies with Alibis: The Foreign Policy of Trade under the Shadow of Conflict", Paper to be presented at the **Annual Convention of the International Studies Association**, San Francisco, CA: March.
- Evans Peter & James Rauch (1999). "Bureaucracy and Growth: A Gross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on Economic Growth", **American Sociological Review**, V.64, N.5, (October 1999).
- Evans, Peter B. (1995). **Embedded Autonomy: States and Industrial Transformation**, Princeton University Press.
- Qatar National Vision 2030: Advancing Sustainable Development (2009). **Qatar's Second Human Development Report**, Doha: General Secretariat for Development Planning, p.III.
- UNDP (2007). **Human Development Report 2007/2008**, NY: Oxford University Press.
- UNDP (2009). **Arab Human Development Report 2009: Challenges to Human Security in the Arab Countries**, NY: Karaky Printing Press.
- UNDP (2011). **Human Development Report 2011**, NY: Oxford University Press.